

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۰

سال سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۱

«بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی»* (علمی - پژوهشی)

دکتر احمد امیری خراسانی

استاد دانشگاه شهید باهنر

قاسم صدقیان زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت

چکیده

در میان عناصر فکری دفاع مقدس، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، عناصر برگرفته از مکتب شیعی است که قدرت خارق العاده آن و تأثیرات گسترده‌اش در مسیر حرکت اجتماعی و سیاسی جامعه ما در ادوار مختلف، انکار ناپذیر است.

در این مقاله تلاش می‌شود، ماهیت پایداری مسئله انتظار در جریان شعری دفاع مقدس، با تکیه بر آثار دو شاعر معاصر، قیصر امین پور و سلمان هراتی، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین تحلیل کارکردهای این مضمون در زمینه مقاومت و پایداری و تأثیرات آن بر حرکت ادبی دفاع مقدس، از اهداف این پژوهش است.

واژگان کلیدی: انتظار - پایداری - قیصر امین پور - سلمان هراتی .

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۲/۱۱

نشانی پست الکترونیک نویسنده: berangekavir@yahoo.com

۲ / بررسی انتظار به عنوان عنصر...

۱- درآمد

انتظار، مفهومی است که از زوایای مختلف، تعاریف متفاوت دارد. در قاموس واز نظر لغوی، انتظار را این‌گونه معنی می‌کنند: «چشم به راه بودن، چیزی را چشم داشتن، چشم داشت.» (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه انتظار) «از دید مذهب {تشیع}: انتظار، امیدی است به آینده‌ای نوید بخش و سعادت آفرین که در آن، به رهبری قائدی عظیم، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امیت را در پیش می‌گیرد.

انتظار، آرزومندی به رسیدن آینده‌ای است که در آن، ستم و تبعیض، تعدی و اجحاف نیست؛ بدکاری و بدخواهی به هر نوع محکوم می‌شود، ظلم و نابرابری از جامعه رخت بر می‌بندد و بشریت، طریق فضیلت را در پیش می‌گیرد. انتظار چشم به راهی برای تحقق عدل و حق است؛ امید به رفع تعلقات نژادی، طبقه‌ای، ملیتی و زبانی است؛ یافتن زندگی بر اساس شرف و فضیلت و تقوی است؛ زندگی بدون خوف از ابرقدرت‌ها است؛ بدان‌گونه که خدای را بدون خوف و خطری پرستند و او را بدون واهمه عبادت کنند.

و بالأخره انتظار، نوعی تخلیه برای تخلیه است. نوعی آمادگی برای پاک شدن، دور ماندن از زشتی‌ها، ستمبارگی‌ها و وصول به تزکیه نفس، تجدید قوای خود برای شرکت در نهضت عظیم و انسانی، یافتن صفا و نورانیت است.» (قائمی، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۳)

هرچند اصولاً، انتظار به معنای خاص و جامع آن، ریشه در تفکرات اعتقادی و دینی و (در بعضی موارد مکتب‌های انسانی) دارد، نمی‌توان ماهیت فطری آن را انکار کرد. انتظار و امید به آینده روشن، یک صفت انسانی همه‌گیر است. «آدمی در سایه آن، آرزو دارد به منافع حال و آینده‌اش دست یابد؛ وجودش نشانگر بروز تمایلی انسانی و به حقیقت، تجلی زمینه‌های فطری انسان‌هاست. اصولاً مسئله انتظار را در آدمی از آن بابت فکری و درونی می‌دانند که در بین همه انسان‌ها عمومیت دارد.» (همان: ۱۴)

نشریه ادبیات پایداری / ۳

۲- انتظار از دیدگاه ادیان و ملل مختلف جهان

با توجه به فطری بودن مسئله انتظار و عمومیت آن در میان تمامی جامعه بشری، این مسئله را باید یک مسئله جهانی دانست و باز با توجه به اینکه اساساً پرورش این پدیده فکری، توسط نظام‌های اعتقادی و دینی صورت می‌گیرد، باید جنبه جهان شمولی این موضوع را از نگاه ادیان مختلف جهان بررسی کرد. با بررسی ادیان و مذاهب مختلف جهان، روشن می‌شود که «این عقیده به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی، با تفاوت‌هایی، به چنین امری معتقدند. پیروان همه ادیان، عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان که فساد و بیدادگری و بی‌دینی، همه جا را فرا گیرد، یک نجات دهنده بزرگ جهانی پیدا می‌شود که به واسطه نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادیگری غلبه می‌دهد. این نوید خوش را نه تنها در کتاب‌هایی که با عنوان کتاب آسمانی باقی مانده‌اند؛ مانند کتاب زند و پازند و جاماسبنامه که از کتاب‌های مقدس زرتشتیان است، کتاب تورات و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می‌شود و انجیل عیسویان، می‌توان پیدا کرد، بلکه در کتاب‌های مقدس براهمه و بوداییان نیز، کم و بیش، دیده می‌شود.

همه ارباب ملل و ادیان، این اعتقاد را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی هستند. هر ملتی، او را با لقب مخصوصی می‌شناسد. زردشتیان او را به نام سوشیانس (نجات دهنده جهان)، جهودان به نام سرور میکائیلی، عیسویان به نام مسیح موعود و مسلمانان به نام مهدی منتظر می‌شناسند. اما هر ملتی، آن نجات دهنده غیبی را از خودش می‌داند. زردشتیان، او را ایرانی و از پیروان زردشت می‌دانند؛ جهودان، او را از بنی اسرائیل و پیروان موسی می‌شمارند؛ عیسویان، او را هم‌کیش خودشان و مسلمانان از دودمان بنی‌هاشم و فرزند پیغمبرش می‌دانند. در اسلام به‌طور کامل معرفی شده ولی در سایر ادیان چنین نیست.» (امینی، ۱۳۸۵: ۶۹)

۳- مفهوم انتظار در قرآن و روایات

قرآن به عنوان جامع‌ترین دستورالعمل برای زندگی بشر، در مسیر نیل به کمال حقیقی، در بسیاری از موارد، به مسئله انتظار و آینده روشن جامعه بشری

پرداخته است. «قرآن کریم در بیش از صد و بیست آیه، به این معنی اشاره فرموده و اعلام داشته که اراده و خواست خداوند متعال بر این است که دوران حکومت شیطان را به پایان برد و بساط پیروان او را برچیند و حتماً بندگان صالح خویش را در همه جای زمین حکومت خواهد داد.» (حسینی بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۲)

مضمون برخی از آیات مرتبط با مسئله انتظار:

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

«زمین را بندگان شایسته من وارث خواهند شد.» (انبیاء: ۱۰۵)

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی

زمین قرار دهیم! (قصص: ۵)

أَنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

«زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند

و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.» (اعراف: ۱۲۸)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

«او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه

ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.» (صف: ۹)

عَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

«بدانید خداوند زمین را پس از مرگش، زنده خواهد گردانید.» (حدید: ۱۷)

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

«حق آمد و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است.» (اسراء: ۸۱)

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

«خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس، سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید - خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند! - اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند این چنین مثال می‌زند.» (رعد: ۱۷)

این آیات و ده‌ها آیه از این قبیل، مؤمنان را دلگرم آینده‌ای نوید بخش می‌کند و وقوع حتمی مورد انتظار را نشان می‌دهد. (ر.ک، قائمی، ۱۳۶۶: ۵-۵۴)

همچنین در روایت است که حضرت رسول (ص) فرمودند:

«مهدی از من است، فراخ پیشانی و باریک بینی زمین را پر از عدل می‌سازد، همچنان که آکنده از جور و ستم شده است.» (حسینی بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۴)

«بر حسب اخبار معتبر، "مهدی" لقب همان موعود آخرالزمان است که حتی نسب و اوصاف او، در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است، که آن جز بر امام دوازدهم، فرزند حضرت امام حسن عسکری (ع)، بر احدی قابل تطبیق نیست و لقب مهدی، به این معنی که موجب {هدایت از جانب} خدا و احیا کننده اسلام و پر کننده جهان از عدل و داد و دارای صفات ممتاز است، اولین بار در مورد آن حضرت به کار رفت و این کار در عصر خود پیامبر (ص)، توسط شخص آن حضرت انجام گرفت و مهدی به عنوان منجی و رهایی بخش - و الفاظ مترادف دیگر از این قبیل از جانب خدا - تنه‌القب اوست.» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۴-۱۶۳)

۴- انتظار به عنوان یکی از عناصر پایداری

آنچه در زمینه انتظار و مسئله مهدویت، در این پژوهش حایز اهمیت است، ماهیت این مسئله، به عنوان یکی از مؤلفه‌های پایداری است. شاید بتوان انتظار را در ابعاد و جنبه‌های گوناگون تعریف کرد اما خواصی که در ورای این مفهوم

است، به راحتی آن را (در هر تعریفی که باشد) به پایداری و مقاومت پیوند می‌زند. اینک به برخی از جنبه‌های پایداری مسئله انتظار اشاره می‌کنیم:

۱- مبارزه با یأس و ترسیم افق‌های روشن آینده

ایمان و اعتقاد به انتظار در میان ملت‌ها، آن‌ها را به ادامه حیات انسانی و آینده روشن و دور از ظلم و ستم و ناملایمات امیدوار می‌کند. در سایه چنین تفکری است که انسان خویش را از ذلت و حقارت رهایی می‌بخشد، در موضع ارزش می‌بیند و برای آینده تلاش می‌کند.

۲- ایجاد شور و هیجان و جنبش

جامعه‌ای که خویش را در سایه یک ولی و سرپرست قدرتمند و یک موعود حتمی ببیند، بی‌شک، بی‌عدالتی‌ها و ناملایمات را تحمل نخواهد کرد و با تأسی به این تفکر و امید، شروع به حرکت و زمینه‌سازی برای تحقق این وعده و ظهور منجی خواهد نمود.

۳- ماهیت اعتراضی مسئله انتظار

انتظار، در حقیقت نوعی اعتراض به اوضاع موجود است. ملت‌هایی که در مکاتب فکری و مذهبی خویش چنین فلسفه‌ای را پذیرفته‌اند، در حقیقت، مدینه فاضله‌ای را پیش روی نظام‌های جهانی قرار داده‌اند تا به نوعی به کج‌روی‌ها و اختلالات این نظام‌ها اعتراض و انتقاد کنند. (با الهام از، قائمی، ۱۳۶۶: ۶-۳۲)

۵- انتظار در آئینه شعر

مسئله انتظار و ظهور مصلح آخرالزمان، یکی از مفاهیمی است که هر چند در شعر کهن بسط و بسامد درخور و شایسته‌ای ندارد، از ریشه بسیار عمیقی برخوردار است. قدمت شعر مهدوی، حتی به قبل از امام زمان (ع) باز می‌گردد؛ به عنوان نمونه، «وقتی دعبل، اشعار معروف خود را نزد امام رضا(ع) قرائت می‌کرد، در پایان، این بیت را خواند:

خروج امام لا محاله واقع يقوم علی اسم الله و البرکات

یعنی: نهضت یک امام، مسلّم و حتمی است. او به نام خدا و با برکات قیام می‌کند.

امام رضا (ع) به شدت گریست و فرمود: روح القدس، به زیانت سخن گفت. آیا آن امام را می‌شناسی؟ عرض کرد: نه، ولی شنیده‌ام که، امامی از شما قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد.» (امینی، ۱۳۸۵: ۵۱)

«مسئله "موعود"، از موضوعات کهن و دیرینه شعر فارسی است و در شعر بسیاری از شاعران کهن، از جمله: سنایی، سعدی، مولوی، خواجوی کرمانی، جامی و... به آن اشاره شده است. البته پیرامون طرح این موضوع، میان ادبیات کهن و شعر امروز تفاوتی است؛ یعنی در شعر قدیم، پرداختن به این موضوع، غالباً اشاره وار و اجمالی هست.» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸۹)

«در شعر کهن فارسی، مهدویت و انتظار در حاشیه قرار دارد. در واقع بسیاری از شاعران قدیم، در شعرهایی که به طور کامل به مسئله ظهور اختصاص ندارد، به عنوان یک تلمیح یا اشاره تاریخی، به این موضوع پرداخته اند و یا در حد یکی، دو بیت در آن درنگ می‌کنند.

سنایی غزنوی، شاعر بزرگ قرن پنجم و ششم هجری، در یکی از قصاید خویش، چنین تصویری از ظهور ارائه می‌کند:

گرچه آدم صورتان سگ صفت مستولی اند
هم کنون باشد که از این میدان دل عیار وار
جوهر آدم برون سازد، برآرد ناگهان
زین سگان آدمی کیمخت و خر مردم دمار
گر مخالف خواهی، ای مهدی، درآ از آسمان
ور موافق خواهی ای دجال، یک ره سر برآر
یک تپانچه مرگ و زین مردارخواران یک جهان
یک صدای صور و زین فرعون طبعان، صد هزار
باش تا از صدمت سور سرافیلی شود
صورت خوبت نهان و سیرت زشت آشکار

تا بینی موری، آن خس را که می‌دانی امیر
تا بینی گرگی، آن سگ را که می‌خوانی عیار.*

(دیوان سنایی)

۶- انتظار در شعر قبل و بعد از انقلاب

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در بازیابی و احیای اصول انسان ساز مذهب جعفری محسوب می‌شود. مضامینی که تا این زمان، علی‌رغم پویایی و اثرگذاری، تا حد زیادی مهجور مانده بودند، دوباره در صدر توجه اهالی قلم قرار می‌گیرند. علاوه بر این، در این دوره بر ساختار کاربردی و معانی عمیق و راهگشای این مضامین تأکید می‌شود.

«مفهوم انتظار، قبل از انقلاب در آثار شاعران اهل بیت، مذهبی و هیبتی و به صورت معدود، در آثار شاعران حرفه‌ای مسلمان حضور دارد. آثار شاعرانی چون: شهریار، امیری فیروز کوهی، ابوالحسن ورزی، قابل مقایسه با آثار شاعران پس از انقلاب نیست. در واقع پس از پیروزی انقلاب، مفهوم انتظار در شعر شاعران، رنگ و جلوه‌ای دیگر به خود گرفت. بعد از انقلاب و احیای باورها و آرمان‌های اسلامی، ما با وفور باورهای مذهبی در شعر مواجه می‌شویم که مهم‌ترین آنها، مسئله عاشورا و مفهوم انتظار است و انتظار با توجه به استقبال بسیار شاعران، تبدیل به برجسته‌ترین حوزه شعر آیینی شد و از لحاظ کیفی، ویژگی‌های خاص خود را پیدا کرد؛ ویژگی‌هایی که کاملاً متمایز از آثار شاعران قبل از انقلاب است. در اشعار انتظار معاصر، شاعر، موعود را در ارتباط مستقیم خویش حس می‌کند و از همین منظر، شعر شاعران پس از انقلاب، بستری صمیمی و عاطفی برای گفتگوی منتظر و موعود است و متأثر از این حال است که انتظار برای شاعر، یک مفهوم ملموس و عینی است.» (همان: ۲۹۲)

زمستان سردم بهارم تو هستی	فضای خوش انتظارم تو هستی
پُری از طراوت، پُری از تفاهم	منم شاخه و، برگ و بارم توهستی
به اندازه حجج عالم صبوری	تماشایی روزگارم تو هستی
در این غربت آباد بی‌اعتباری	فقط مایه اعتبارم تو هستی

غبار کدورت بر آئینه‌ها ماند و آیینۀ بی غبارم تو هستی
دلم مانده مشتاق دیدار رویت که خورشید ظلمت شکارم تو هستی
من آن وسعت از جنگل تشنه کامم که سرچشمه و جویبارم تو هستی
رسان بر عطش‌های من قطره آبی که سرمایه روزگارم تو هستی.

(وحیدی، ۱۳۸۸: ۳-۳۲)

«صبحی دگر می‌آید ای شب زنده داران

از قلعه‌های پر غبار روزگاران

از بی‌کران سبز اقیانوس غیبت

می‌آید او تا ساحل چشم انتظاران»

(حسینی، ۱۳۸۷: ۳۱)

در تحلیل دوره ادبی انقلاب اسلامی، یکی از اصلی‌ترین حوزه‌ها، ادبیات منظوم دفاع مقدس است. شعر دفاع مقدس، مجموعه کاملی از مفاهیم انسانی و الهی و برگرفته از مکتب تشیع است. در این میان، انتظار و مسئله مهدویت، یکی از پرکاربردترین مفاهیم آیینی این اشعار به شمار می‌آید. در میان شاعران متعدّد این حوزه، دکتر قیصر امین پور به عنوان یکی از بانیان شعر دفاع مقدس و چهره‌ای توانمند و سرشناس در این زمینه، نمونه‌ای مناسب برای تحلیل مفاهیم شعر جنگ محسوب می‌شود. تفکر ویژه مرحوم امین پور و روحیه انقلابی و مذهبی او، راه را برای ورود همه جانبه مفاهیم اعتقادی به آثارش را هموار کرده است و با توجه به اینکه شعر ایشان سرشار از تفاسیر عرفانی و خلاقیت در تطبیق مسائل مذهبی با نیازهای زمان است، تحلیل آثار ایشان در زمینه‌های مختلف، تا حدّ زیادی در تحلیل شعر دفاع مقدس راه گشاست. مرحوم سلمان هراتی نیز که از ثمرات ارزشمند انقلاب در زمینه فرهنگ و ادب محسوب می‌شود و به عنوان یک شاعر جوان اما پرکار، توان هنری خویش را صرف تبیین آرمان‌های انقلاب کرده است، نمونه ارزشمندی است. با توجه به اینکه فروغ شمع وجودی این شاعر جوان بر پهنه شعر دفاع مقدس، اندک زمانی بیش به طول نیاچامید، شعر او سرشار از سادگی و روشنی است. علاوه بر این، سلمان هراتی یکی از معدود شاعرانی است که در

شعر خود، تقریباً تمامی عناصر فکری شعر انقلاب را مطرح می‌کند و می‌توان گفت که شعر او در حقیقت، تابلوی زیبا و کاملی از جلوه‌های فکری انقلاب و دفاع مقدس است.

۷- انتظار در شعر قیصر امین پور

در گوشه گوشه اشعار قیصر امین پور، مفهوم انتظار نهفته است؛ این انتظار، بیشتر جنبه روحانی و عارفانه دارد اما می‌توان در آن، تمامی خصال یک انسان منتظر و جلوه‌های یک منتظر را دریافت.

«ای روز آفتابی

ای مثل چشم‌های خدا آبی!

ای روز آمدن!

ای مثل روز آمدنت روشن!

این روزها که می‌گذرد هر روز

در انتظار آمدنت هستم!

اما با من بگو که آیا، من نیز

در روزگار آمدنت هستم؟»

(روز ناگزیر: ۲۴۰)

شاید بتوان گفت که یکی از اساسی‌ترین اندیشه‌های شعر قیصر امین پور، اندیشه انتظار موعود است. مفهوم انتظار در آثار امین پور را می‌توان در عناوینی این چنین، مورد بررسی قرار داد:

۷-۱- روحیه امید و ترسیم آینده روشن

تصور یک آینده روشن، همراه با تمامی خوبی‌ها و رسیدن به آرزوهای انسانی در بسیاری از اشعار او حضور دارد. این آینده‌نگری امیدوارانه، همیشه با تفسیری از پریشانی و ناملایمات انسان، انحرافات، تردیدها، سیاهی‌ها و پلیدی و چشم‌های منتظر در انتظار مصلح و یاری دهنده همراه است:

«بی تو اینجا همه در حبس ابد تبعیدند

سال‌ها، هجری و شمسی، همه بی خورشیدند

از همان لحظه که از چشم یقین افتادند

چشم‌های نگران آینه تردیدند.»

(عید: ۷۰)

از این تعابیر که می‌گذریم، به لحظه وصال و تحقق آرزوها می‌رسیم. اگر اکنون، زمان در تاریکی و تردید می‌گذرد، با طلوع جلوه موعود، لحظه لحظه زمان با شادی و آرامش همراه است؛ لحظه‌هایی که همه عیداست:

«تو بیایی همه ساعت‌ها و ثانیه‌ها

از همین روز، همین لحظه، همین دم عیدند.»

(همان: ۷۱)

یکی از تعابیری که در شعر قیصر از عصر غیبت و عصر ظهور می‌توان دید، تعبیر سرما و افسردگی در مقابل بهار، رویش، گرما و سرزندگی است. عمری که در سرما و بی‌خبری و انتظار می‌گذرد، در آخر به یک بهار دیدنی و محتوم ختم خواهد شد:

«بفرماید فروردین شود اسفندهای ما

نه بر لب، بلکه در دل گل کند لبخندهای ما»

(بفرماید: ۳۹)

«چه اسفندها... آه!»

چه اسفندها دود کردیم!

برای تو ای روز اردیبهشتی

که گفتند این روزها می‌رسی

از همین راه!..»

(پیشواز: ۲۸۷)

شاید مضمون اصلی بسیاری از این گونه اشعار، مفهوم انتظار و مهدویت نباشد اما در میانه این اشعار، انتظار به شکل بسیار ملموسی احساس می‌شود. آفتاب

و روشنی، تعبیر دیگری است برای طلوع و ظهور مصلح و وقوع وعده الهی؛ آفتابی که بهار می آورد. تفسیر قیصر از ظهور مصلح، کاملاً روشن و سرشار از امید است؛ گویی با این اندیشه زندگی می کند و آن را کاملاً محسوس در جریان حیات خویش می بیند.

«طلوع می کند آن آفتاب پنهانی

ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی

دوباره پلک دلم می پرد نشانه چیست؟

شنیده ام که می آید کسی به مهمانی

کسی که سبز تر است از هزار بار بهار

کسی، شگفت کسی، آن چنان که می دانی

کسی که نقطه آغاز هر چه پرواز است

تویی که در سفر عشق خط پایانی.»

(مهمانی: ۳۰۴)

شاعر به بی قراری اشاره می کند و به دست های آرامش بخش موعود و اینکه منتظران واقعی کسانی هستند که تا شروع حرکت نجات بخش منجی، آرام ندارند:

«کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی.»

(همان: ۳۰۵)

جهانی که قیصر ترسیم کند، جهان سرشار از زیبایی است. این تفسیر از ظهور منجی، روحیه امید و حس پویایی ای را که بر گرفته از یک فلسفه اعتقادی پاک و سالم است، به نمایش می گذارد.

«وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی

ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی ها»

(فصل تقسیم: ۳۵۵)

قیصر، بهاری را می‌جوید که در پی آن، تمامی مصائب و مشکلات جهان رفع می‌شود. او معتقد است که پریشانی‌ها با شکفتن لبخند منجی، به پایان می‌رسد:

«چشم تو لایحه روشن آغاز بهار

طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها.»

(همان: ۳۵۶)

۲-۷- اعتراض

بعد اعتراضی اندیشه انتظار در شعر قیصر، آنجا هویدا می‌گردد که از اوضاع نابهنجار جهان می‌گوید و ظهور مصلح را پایانی بر انحرافات و بی‌نظمی‌های جهان بشری در قرون معاصر تلقی می‌کند. در واقع، شاعر با آرزوی ظهور، به نوعی به وضعیت امروز جهان انتقاد می‌کند؛ این تفکر ریشه در اعتقاد انقلابی شاعر دارد:

«گل بو

گلخانه جهان

خالی است

لبریز بوی نام تو باد

باد!»

(بهار بوسه باران: ۱۲۱)

این موضوع با ترسیم یک آینده روشن، خالی از ناملایمات و سرشار از نیکی‌ها و صفات انسانی تقویت می‌شود. در واقع، قیصر با طرح یک جهان آرمانی که با حضور مصلح شکل می‌گیرد، به خلأ خصال انسانی در جامعه امروز انتقاد می‌کند:

«آن روز ناگزیر که می‌آید

روزی که عابران فهمیده

یک لحظه وقت داشته باشند

تا سربلند باشند

آفتاب را

در آسمان بینند.»

(روز ناگزیر: ۲۳۶)

روزی را ترسیم می‌کند که تمامی مظاهر مُدرن، با عناصر طبیعت که هر کدام نمادی از نیکی‌ها است، عوض می‌شوند.

«روزی که جای نامه و مهر و تمبر

بال کبوتری را

امضا کنیم

و مثل نامه‌ای بفرستیم

صندوق‌های پستی

آن روز آشیان کبوترهاست.»

(همان: ۲۳۶)

روزی که شرافت، عزّت و عظمت بشر دوباره باز می‌گردد و در تمامی جهان

و در میان تمام جامعه انسانی، انسانیت حکم‌فرما می‌شود:

«روزی که دست خواهش، کوتاه

روزی که التماس گناه است

و فطرت خدا

در زیر پای رهگذران پیاده‌رو

بر روی روزنامه ن خوابد.»

(همان: ۲۳۷)

شاعر با بیانی شاعرانه، نموده‌های اساسی مدینه فاضله و آرمانی خویش را یک‌به

یک تفسیر می‌کند. این شیوه، جلوه‌ای از ترسیم افق‌های روشن و ایجاد روحیه امید در

ذهن مخاطب است. آنچه قیصر نوید آن را می‌دهد، آزادی، برابری و عدالت است:

«روزی که سبز، زرد نباشد

گل‌ها اجازه داشته باشند

هر کجا که دوست داشته باشند

بشکفند.»

(همان: ۲۴۰)

«روزی که مشق آب، عمومی است

دریا و آفتاب

در انحصار چشم کسی نیست.»

(همان: ۲۴۰)

در شعر "صبح بی تو"، شاعر تقریباً تمامی ویژگی‌های انتظار و منتظر را بیان می‌کند. غم و اندوه و بی‌اطلاعی همراه با امید به آرزو، صبر در راه وصال و بی‌توجهی به هر آنچه در مقابل این اندیشه کاملاً آشکار می‌ایستد. شاعر یک انتظار عاشقانه را ترسیم می‌کند و با زبانی سرشار از احساس، از عمق اعتقاد و امید خویش سخن می‌گوید و از هجران گله می‌کند:

«صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد

بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشقبازی

عشق کی خبر از شنبه و آدینه دارد

جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو امّا

خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

خواستم از رنجش ثوری بگویم، یادم آمد

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد.»

(صبح بی تو: ۴۰۹)

این انتظار پاک و روحانی که با رنج و درد و صبر همراه است، عاقبت به وصال و جمال گشاینده قفل تیرگی‌ها ختم می‌شود:

«در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید

آن که در دستش کلید شهر پُر آئینه دارد.»

(همان: ۴۹)

۷-۳- تصویرسازی

هرچند تمامی اشعار مرتبط با موضوع انتظار در شعر قیصر، سرشار از تصاویر جذّاب و هنرمندانه است، در بعضی موارد، توجّه و تدبّر پیرامون زبردستی شاعر در پدید آوردن تصویرهای خیال‌انگیز، خالی از لطف نیست:

«از نو شکفت نرگس چشم انتظاریم

گل کرد خار خار شب بی‌قراریم

تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو

دیدم هزار چشم در آینه کاری ام.»

(یادگاری: ۷۴)

شاعر، روحیه پُر تکاپو و پویای منتظر واقعی را و موج و ظهور و طلوع منجی را ساحل آرامش تلقی می‌کند و درک عصر حضور را به پاس تحمل رنج و مرارت و صبر طلب می‌کند:

«تا ساحل قرار تو چون موج بی‌قرار

با رود رو به سوی تو دارم که جاریم

با ناخنم به سنگ نوشتم: بیا، بیا

زان پیش‌تر که پاک شود یادگاریم.»

(همان: ص ۷۵)

روزهای جمعه، روزهای بی‌قراری است و دیگر ایام، ایام انتظار و بی‌پناهی است. گویی انتظار در جامعه کنونی، همیشگی است و همیشه با او همراه است:

«رونوشت روزها را، روی هم سنجاق کردم

شبه‌های بی‌پناهی، جمعه‌های بی‌قراری.»

(لحظه‌های کاغذی: ۱۸۸)

۸- انتظار در شعر سلمان هراتی

چنانکه پیش‌ازین گفته شد، شعر مرحوم هراتی به دلیل سادگی در عین زیبایی، نمونه منحصر به فردی در میان آثار منظوم دفاع مقدّس است. عناصر فکری در این اشعار، به شکلی هنرمندانه و جذّاب مطرح می‌شوند:

«چون تشنه به آب ناب دل می‌بندم بر خنده ماهتاب دل می‌بندم
ای روشنی تمام، تا ظهر ظهور چون صبح به آفتاب دل می‌بندم.»
(تا ظهر ظهور: ۳۲۱)

تفکر انتظار در شعر سلمان هراتی را می‌توان در عناوین زیر مورد بررسی
قرار داد:

۸-۱- تاکید بر تکاپو برای زمینه‌سازی ظهور

جنبش، جوشش و حرکت، درسی است که سلمان هراتی از انتظار مصلح
می‌گیرد و در شعر خویش انعکاس می‌دهد. در حقیقت، امید به ظهور منجی به
حرکت‌ها دامن می‌زند و شور و هیجان مقاومت و پایداری در راه رسیدن به
مقصود و اصلاح امور را موجب می‌گردد. سلمان به انتظار طوفانی نشسته است که
پایان تمامی جنبش‌ها و جوشش‌هاست:

«ای مقتدای آب‌های آشوب
در روزگار جسارت مرداب
و گستاخی قارچ‌های مسموم
طوفان آخرین
که بر گستره خاک خواهد گذشت.»

(بر قله‌های انتظار: ۳۱)

سلمان، تصویری از عظمت و شکوه حادثه ظهور ارائه می‌کند تا مخاطب را
از عمق و صلابت آن با خبر کند. شاعر می‌خواهد با این تصویر ضرورت و حتمی
بودن انتظار را بیان کند:

«من کدامم
که فهم عظمت کائنات نویسم
و بی‌قراری زمین را اندازه کنم
و جرأت من آن قدر نیست
که طوفان را به ادراک آرد.»

(همان: ۳۱)

۸-۲- اعتقاد به نزدیکی ظهور منجی

شاعر شور و شوق خود را برای وصال محبوب و ظهور مصلح به زیبایی ترسیم می‌کند. در شعر او نزدیکی ظهور، اندیشه‌ای اساسی است. او معتقد است که در این زمان، انسان بر بالاترین قله‌های انتظار ایستاده است:

«همیشه فکر می‌کنم

این آخرین شبی است که از کوچه می‌گذرد

باغ‌ها از پاییز برمی‌گردند

و درختان در انتظار بارش آخرین

خوش می‌ایستند

بر آخرین قله‌های انتظار ایستاده ایم»

(همان: ۲-۳۱)

۸-۳- فلسفه سالم انتظار

چگونگی شناخت و درک مسئله انتظار، از مهم‌ترین موارد استفاده از این مؤلفه است. اندیشه سالم انتظار، از تکاپو برای مهیا کردن مقدمات ظهور حکایت می‌کند. در سایه این تفکر، جامعه منتظر باید در اصلاح امور و آبادانی معنوی خویش تلاش کند و در واقع، ملت خود را لباسی قابل برای حمایت و همراهی منجی ببوشاند. تلاش برای تزکیه نفس و برخورداری از مراتب بالای انسانی و عرفانی، هدف و غایت انتظار یک منتظر واقعی است اما نقطه مقابل این سلامت اندیشه، انحرافات است که در جریان انتظار موعود پدید آمده و به دلایل خاصی، در میان برخی از مردم (و حتی برخی از علما و متفکرین) ریشه دوانده است.

در این فلسفه انحرافی، عقیده بر آن است که چون ظهور منجی در زمان اوج فساد و ظلم و جهالت خواهد بود، پس کوشش در جهت پاک‌سازی افکار و حراست از اندیشه‌های ناب، تلاشی است در جهت تأخیر ظهور مصلح؛ بنابراین، صاحبان این مکتب، نه تنها در جهت اهداف متعالی اسلام و انتظار حرکت نمی‌کنند، بلکه گسترش فساد و تباهی را زمینه‌ساز ظهور می‌دانند. در دوران معاصر، گروه‌ها و انجمن‌های مختلفی در ترویج این عقیده کوشیدند لیکن عقل

سلیم انسانی و اسلامی، معیاری است در اثبات پوچی این مکتب. گویی سلمان در شعر خویش از این نوع تفکر می‌نالد:

«ما که آفتاب را

بر بلندای این خاک می‌بینیم

چگونه می‌توان به انکار عشق برخاست

و یاس‌ها را از عطر افشانی بازداشت

مگر می‌شود به چشمه فرمان توقف داد

و لال باد آن

که دهان به غیظ می‌گشاید

و باغ را

و چراغ را

با دم هرز خویش

مسموم می‌دارد

این سان که به تقدیس معصیت نشست

و چشم از آفتاب بستی

بدان که جولان شیطان

به طلوع عشق نمی‌انجامد.»

(همان: ۳۳)

او بنیان انتظار را مبارزه و تلاش در جهت حاکمیت نیکی‌ها می‌داند و این تلاش و تکاپو را حرکتی مقدس می‌شمارد که آرزوی ظهور منجی را نیز به همراه دارد. در اندیشه او، ظهور و طلوع مصلح آخرالزمان، جز در سایه مبارزه و تلاش میسر نخواهد شد:

«باید دست‌ها را به قبضه شمشیر سپرد

و حنجره بدی را فشرده

آه ای پیشوای اقیانوس‌های شورش

شب نشینی دنیا به طول انجامید

طوفان را رها کن
و اسب آشوب را
افسار بگسل!

(همان: ۴-۳۳)

۸-۴- اعتراض در سایه انتظار

در شعر "غنچه نرگس"، سلمان علاوه بر تاکید بر تفکرات پیشین، به برخی ابعاد پایداری اندیشه ظهور اشاره می کند. حرکت های اعتراضی و قیام های ملت های منتظر، همه در سایه امید به حاکمیت عدالت صورت می پذیرد و حقیقت انتظار، یعنی باسلاح امید جنگیدن، یعنی اعتراض، یعنی مبارزه با ظلم و تباهی و نفی سستی و هراس:

«در ضیافت توگدت

خاک در شکوه جنبشی دگر

رخت زرد خویش را درید

و تکان تازه ای به خویش داد

هم بدین سبب به رود زد

تا غبار تاخت ستمگران دهر را

در گذار آب شستشو دهد

انتظار سهم ماست

اعتراض نیز

ما ظهور نور را به انتظار

با طلوع هر سپیده آه می کشیم

ای دلیل جنبش زمین قسم به فجر

تا توگد بهار عدل در جهان

ظالمان دهر را به دار می کشیم

.....

«گوش را به نبض تند خاک می دهیم

گام عادل‌ی بزرگ را
منتظر شماره می‌کند
در بهار، اعتراف سبز باغ را شنیده‌ام که می‌شکفت
اذن رویش بهار را تو داده‌ای.»

(غنچه نرگس: ۱۱۸-۱۱۹)

۸-۵- تصویرسازی خیال انگیز

شاعر، امیدواری به ظهور مصلح و هستی حقیقی او را با تصاویری زیبا و آرامش بخش نمایش می‌دهد؛ تصاویری که روح با طراوت یک منتظر را ترسیم می‌کند. این خاصیت سلمان هراتی است که از مبارزه و اعتراض، ناگهان در عاطفه و خیال غرق می‌شود:

«باور گلی به ذهن ساقه‌های سبز
لیک خود چو غنچه‌ای صبور
بسته مانده‌ای
رسم غنچه نیست بسته ماندن
غنچه‌های نرگس این زمان
به ناز باز می‌شوند
ما ظهور عطر را از غنچه تا به گل شدن
انتظار می‌کشیم
خاک تشنه است و ما از این کویر
خندقی به سوی جویبار می‌کشیم.»

(همان: ۱۲۰-۱۱۹)

شاعر این تخیل و عاطفه را در یک تصویر عرفانی به اوج می‌رساند و عظمت اندیشه الهی انتظار را در هنرمندانه ترین شکل عرضه می‌کند:

«یک چپر میان ماست
پشت آن چپر که تا خداست
با فرشته‌ها به گفت‌وگو نشسته‌ای.» (همان: ۱۲۰)

در انتها، شاکله حقیقی تفکر سالم شاعر هویدا می‌شود. او طلوع منجی را طلوع عشق حقیقی می‌داند و لازمه حاکمیت حکومت عشق را پویایی و تکاپو می‌شمارد تا اینکه روزی، به اشاره خداوند، موسم شکوفایی و ظهور مصلح فرا رسد:

«پشوای کاروان عشق!

کاروان حماسه می‌سراید این چنین:

انتظار سهم ماست

اعتراض نیز

منجیا، یقین تو نیز منتظر

چشم بر اشاره خدا نشسته ای»

(همان: ۱-۱۲۰)

۸-۶- ملموس و مؤثر بودن مسئله انتظار و حضور منجی

یکی از ویژگی‌های مشترک شاعران متعهد و متدین انقلاب، در زمینه مسئله ظهور، تأکید بر ملموس بودن حضور امام عصر است. این تفکر که ناشی از اعتقاد به مبانی اصیل تشیع است، به کرات در آثار و اشعار مختلف جلوه‌گر می‌شود. در چنین فضای فکری، شاعر حقیقت عینی وجود منجی را بیان می‌کند. در شعر سلمان، درک لحظه لحظه انتظار و تأثیر آن بر حیات کاملاً مشهود است. او به حضور و مؤثر بودن مصلح، ایمان دارد و معتقد است که زندگی و هستی، همه در جهت ظهور منجی حرکت می‌کند و اندیشه انتظار را همیشه و هر لحظه همراه خود دارد و با این تفکر، زندگی می‌کند:

«روزی هزار مرتبه تا مرگ می‌دویم

روزی هزار مرتبه تکرار می‌شویم

فردا دوباره صبح می‌آید از این مسیر

چشم انتظار لحظه دیدار می‌شویم.»

(لحظه دیدار: ۲۹۳)

«مثل درخت و سنگ

در رهگذار باد
در انتظار آمدنت
ایستاده ایم
فردا به شهر نور می آیی
از راه روستا
از راه آفتاب
با دشمنان چو موج خروشان
با ما،
به مهربانی یک جویبار نرم
رفتار می کنی»

(ای جویبار، ۹-۳۸۸)

حضور ملموس و مؤثر و سایه حمایت منجی موعود، در شعر زیر کاملاً آشکار و روشن بیان می شود:
«او همین جاست همین جا
نه در خیال مبهم جابلسا
و نه در جزیره خضرا
و نه هیچ کجای دور از دست
من او را می بینم.»

(با آفتاب صمیمی، ۱۰۲)

۸-۷- بی باکی از قدرت های جهانی، ثمره اعتقاد به منجی

یکی از آثار اساسی اعتقاد به ظهور موعود در جهان معاصر، فروریختن ابهت بی اساس قدرت های پوشالی جهان استکبار، در اذهان معتقدین است. سلمان عقیده دارد که بهاری با طراوت در راه است که سرما و جماد ناشی از فرهنگ برهنه و مفسد قدرت های توسعه طلب را به کلی محو خواهد کرد. او در انتظار پرنده ای است که از آسمان سبز فرو خواهد آمد و جهان را سراسر سرسبز و روشن خواهد کرد:

«من رد پای فروردین را دیده ام
بر شانه‌های برفی تو می رفت
و اکنون در فکر پرنده ای هستم
که از آسمان سبز می آید.»

(زمستان قرن بیستم: ۳۰-۲۲۹)

نتیجه

نقش مضامین و اندیشه های مذهبی در روند مبارزات و تحولات اجتماعی و سیاسی سرزمین ما، بسیار پررنگ و حائز اهمیت است. در جریان انقلاب اسلامی مردم ایران و پس از آن، جنگ هشت ساله تحمیلی که دوره بازیابی هویت فرهنگی - مذهبی و تکیه بر ارزش های اصیل اسلامی است، بهره گیری از مفاهیم مذهبی، نقش موثری در توفیق ملت ایران در حفظ شرف و استقلال همه جانبه خود داشت. استفاده از آموزه های قدرتمند مکتب عاشورا و حرکت در مسیر این جریان فکری پویا، موجب گشت تا انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس، به یکی از برجسته ترین حرکت های پایداری معاصر تبدیل شود. علاوه بر این، مسئله ای که نقش کاربردی (به ویژه در دوران معاصر) در حیات بشری دارد، مسئله انتظار منجی است که از مفاهیم تقریباً همه گیر دینی در جهان است. این مسئله در ورای خود، اندیشه های متعددی را می پرورد. ملت های مبارز و معتقد به این اندیشه، با تکیه بر ثمرات فکری آن، سیر حرکت پایداری خویش را جهت و سرعت می بخشند. این اندیشه در ادبیات منظوم دفاع مقدس، یکی از مضامین اصلی شعر محسوب می شود و شاعران در اشعار خویش، به تفسیر ارزش ها و کارکردهای آن، به اشکال مختلف پرداخته اند. شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی، نمونه کاملی در بهره گیری از این مضمون در ادبیات پایداری است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امین پور، قیصر، ۱۳۸۹، مجموعه کامل اشعار، چاپ چهارم، تهران: مروارید.
۳. امینی، ابراهیم، ۱۳۸۵، دادگستر جهان، چاپ سوم، قم: نشر شفق.

نشریه ادبیات پایداری / ۲۵

۴. حسینی بحرانی، سید هاشم، ۱۳۷۴، **سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن**، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم، تهران: .
۵. حسینی، سید حسن، ۱۳۸۷، **هم صدا با حلق اسماعیل**، چاپ پنجم، تهران: **سوره مهر**.
۶. سنایی غزنوی، ۱۳۴۱، **دیوان**، به کوشش تقی مدرس رضوی، چاپ دوم، تهران: **ابن سینا**.
۷. صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، **گفتمان مهدویت**، چاپ دوم، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۸. قائمی، علی، ۱۳۶۶، **مسئله انتظار**، قم: انتشارات هجرت.
۹. محدثی خراسانی، زهرا، ۱۳۸۸، **شعر آیینی و تاثیر انقلاب اسلامی بر آن**، تهران: **مجتمع فرهنگی عاشورا**.
۱۰. وحیدی، سیمین دخت، ۱۳۸۸، **توانه صبح**، تهران: **نشر تکا**.
۱۱. هراتی، سلمان، ۱۳۸۰، **مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی**، چاپ سوم، تهران.